



12 می 2023

ارسالی: داکتر سید عبدالله کاظم

شرحی درباره جزای شرعی "لواط کار"

چند روز قبل مولوی هبت الله رهبر طالبان بر اجرای جدی احکام شریعت آنهم به خصوص در تطبیق حد و قصاص، همچنان سنگسار تأکید کرده است و شورای علمای طالبان نیز در این راستا داخل اقدام گردیده و معاون قوای قضائیه طالبان در جوار تطبیق حد و قصاص و سنگسار، از "چپه کردن دیوار بر لواط کار" نیز خبر داده است. اینکه همچو جزا برای لواط کار از نظر شرعی از کجا ریشه میگیرد، نزد بسیاری معشوش است. همین امروز مقاله را بقلم آقای روستانی در این ارتباط خواندم که در روزنامه 8 صبح مورخ 20 ثور 1402 به نشر رسیده بود. نویسنده مقاله کوشیده است شرح تحلیلی در مورد چنین حکمی را ارائه دارد که در احکام قرآنی صراحت ندارد و اما فقها آنرا به استناد ذکر قصه قوم لوط در قرآن مجید به حیث یک عمل شنیع دانسته و جزای آنرا بر مبنای حدیثی از پیامبر بزرگوار اسلام (ص) "زیر دیوار ساختن لواط کار" وانمود کرده اند. متأسفانه این فعل شنیع در کشور ما آنقدر معمول است که برای تطبیق و اجرای آن اختصاص همه دیوارهای شهر هم کافی نخواهد بود. خواستم این مبحث را با اقتباس از آن روزنامه تحت عنوان ذیل با علاقمندان مسایل دینی در میان بگذارم تا بدانند چه بدعت هایی بنام احکام دین و شریعت از طرف طالبان تحت اجراء قرار میگیرند. این شما و این متن مقاله:

داستان "خراب کردن دیوار بر سر لواط کار" از کجا میآید؟

معاون قوه قضائیه طالبان اعلام کرده که تا کنون دادگاههای طالبان در ولایت‌های مختلف کشور ۱۷۵ حکم قصاص، ۳۷ حکم سنگسار و چهار حکم خراب کردن دیوار بر سر محکومان را صادر کرده است و پس از تایید شورای رهبری طالبان، این احکام اجرا خواهد شد. مردم کموبیش درباره قصاص و سنگسار چیزهایی شنیده‌اند که در فرصت مناسب به آنها نیز باید پرداخت، اما احتمالاً بسیاری از مردم برای اولین بار است که از مجازات «چپه کردن دیوار بر سر محکوم به لواط» می‌شنوند. مناسب دیدم با توجه به سطح فکر و فهم طالبان و طرفداران‌شان، کار خود را بر پایه مستندات درون‌دینی استوار کنم و در این مورد با اندکی تفصیل بنویسم.

قاعده این است که احکام جزایی اسلام از قرآن و سنت استنباط شود. قرآن مجید با یادآوری از داستان قوم لوط، فعل لواط را امری شنیع و زشت دانسته و همان واژه‌ای را درباره آن به کار برده که درباره زنا به کار می‌برد (فاحشه = کار بسیار زشت و شرم‌آور) و از ارتکاب آن نهی کرده است. با این حال، در مورد این‌که آیا از قرآن می‌توان مجازات دنیوی برای عمل لواط به دست آورد یا نه، نظرات مختلفی وجود دارد. با آن‌که حکمی صریح و روشن در این باب در قرآن وجود ندارد، بعضی از فقیهان و مفسران، آیه ۱۶ سوره نساء را در مقام بیان مجازات دنیوی عمل لواط می‌دانند. در آن

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنډي د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولۍ

آیه فقط از ضرورت توبیخ و سرزنش زبانی مرتکبان این عمل تا هنگامی که از کارشان پشیمان شوند و به خدا رجوع کنند، سخن زده شده است.

آیا در سنت نبوی حکمی در این باره وجود دارد؟ در پاره‌ای از روایات منسوب به پیامبر خدا گفته شده که باید «فاعل و مفعول به کشته شوند». اشکالی که این روایت‌ها با آن مواجه‌اند، این است که بسیاری از علمای دین، آن‌ها را ضعیف و نامعتبر شمرده و تمسک به آن‌ها را نادرست دانسته‌اند. البته بعضی از علما آن روایت‌ها را تصحیح و عمل به آن را لازم تلقی کرده‌اند. حتی اگر سخن کسانی را بپذیریم که حکم به معتبر بودن این روایت‌ها می‌کنند، باز هم ایراد به جای خود باقی می‌ماند. چطور امکان دارد با استناد به خبر واحدی که در معتبر بودن آن اختلاف نظر وجود دارد، حکم به کشتن انسان‌های گناهکار داد؟

طبق معمول، فقیهانی هم هستند که هر جا با مشکلی برخوردند، به «اجماع» توسل می‌کنند و با ادعای این‌که در این باره اجماع علما صورت گرفته، می‌خواهند فوراً از کش‌مکش و بگومگویی بیشتر جلوگیری کنند. ابن تیمیه و ابن قیم و ماوردی و دیگران مدعی‌اند که اجماع صحابه بر این قرار گرفته که مردانی که مرتکب عمل لواط می‌شوند، باید کشته شوند، اگرچه میان آن‌ها در شیوه به قتل رساندن اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای گفته‌اند اگر مرتکب عمل لواط، محصن (متأهل) باشد، سنگسار شود و اگر محصن نباشد، به تازیانه بسته شود و کشته نشود. گفته می‌شود که علمایی همچون سعید بن المسیب و عطاء بن ابی رباح و نخعی و شافعی به این نظرند. اوزاعی گفته که حکم لواطکننده حکم زناکار است و همان احکامی که بر دومی جاری می‌شود، بر اولی هم جاری می‌شود. ابوحنیفه و ابن حزم به این باورند که بر شخص لواطت‌کار باید «تعزیر» تطبیق شود، نه حد؛ چون از منظر آنان، فعل لواط به درجه زنا نمی‌رسد.

اگر بخواهیم دلایل و مستندات طرفین را جمع‌بندی کنیم، به نظر می‌آید که استدلال آنانی که مجازات لواط را «حد» نمی‌دانند، قوی‌تر است. مستندات جبهه مقابل به آن اندازه از قوت برخوردار نیست که حکم قطعی شرعی را اثبات کند. با این توضیح، تعیین مجازات برای «لواط» بر دوش جامعه و قانون‌گذاران گذاشته شده است. هر جامعه حق دارد با مراجعه به متخصصان شریعت، پزشکان و قانون‌دانان، به فیصله‌ای قابل قبول برای این مساله برسد و از اخلاق عمومی جامعه حفاظت کند و ارزش‌ها را پاس بدارد.

در متون اولیه دینی، استدلال محکمی برای اثبات این‌که چپه کردن دیوار بر محکوم یا سنگسار یا کشتن به‌عنوان مجازات لواط تعیین شود، در دست نیست. آنچه مبنای کار طالبان و سایر گروه‌های رادیکال مدعی اسلام را تشکیل می‌دهد، متونی است که توسط فقیهان متاخر نوشته شده و اکنون در معاهد و مدارس دینی تدریس می‌شود. نقد «موروث دینی» فقط در نقد کتاب‌های حدیث و تفسیر خلاصه نمی‌شود. بخشی از مصیبتی که بر سر ما آوار شده، از کتاب‌های فقهی‌ای سرچشمه می‌گیرد

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

که در عصور انحطاط تدوین و تالیف شده و اشخاصی اصرار دارند این کتاب‌ها را در زمانه ما نیز قابل استناد و مبنای عمل بدانند و نگذارند از آن‌ها تقدس‌زدایی صورت گیرد. در این میان، تفاوتی میان اهل حدیث و اهل رأی وجود ندارد و حاصل کار هر دو جریان، چیزی جز جمود و دگم‌اندیشی و ایستایی نیست.

نکته شایان یادآوری این است که در سیره عملی پیامبر خدا نقل نشده که هرگز ایشان کسی را به جرم ارتکاب عمل لواط مجازات کرده باشد. آیا مردان زمان ایشان، هیچ‌گاه به همجنس‌تمایلی نشان نمی‌دادند و همیشه دوست داشتند با زنان هم‌خواهگی کنند؟ چنین چیزی غیرطبیعی به نظر می‌خورد، خاصه آن‌که در قرآن بارها به داستان قوم لوط پرداخته شده است و این آشکار می‌کند که در جامعه اولیه اسلامی هم اشخاصی بودند که احتمال داشت مرتکب عمل لواط شوند و یا در حال انجام این کار بودند، و گرنه شرح و بیان داستان لوط و قومش برای مخاطبان آن زمین و زمان، آن هم به تکرار، بیهوده و بلاموضوع به نظر می‌رسید.

عبدالمجید شرفی به‌درستی گفته است: «نگاهی گذرا به عقاید سنیان به‌خوبی نشان می‌دهد بسیاری از باورهای ثابت و غیر قابل‌تغییر امروز در اصل از موضوعاتی هستند که مسلمانان درباره آن اختلاف نظر زیاد داشته‌اند.» (اسلام میان حقیقت و تجلی تاریخی، ص ۱۳۰، ترجمه عبدالله ناصری). اگرچه به مقتضای سیاق، عبدالمجید شرفی از عقاید و باورهای سنیان سخن زده، اما واقعیت مسلم آن است که همه مذاهب و نحله‌های اسلامی با عین داستان مواجه‌اند و در این زمینه هیچ تفاوتی میان آن‌ها وجود ندارد. همه این مذاهب و نحله‌ها به‌تدریج به باورهای صلب و جزم‌های غیر قابل‌تغییر رسیده‌اند، حال آن‌که در آغاز به این باورها و جزم‌ها تعصبی نداشته‌اند.

مجازات شراب‌نوشی نیز عین داستان مجازات لواط را دارد. طبق روایت‌ها، پیامبر خدا و یارانش با افرادی که شراب می‌نوشیده‌اند، با ملایمت رفتار می‌کردند و واکنشی خفیف در برابر آن‌ها نشان می‌دادند و مجازاتی مشخص برای آن‌ها تعیین نکرده بودند. پس از رحلت پیامبر خدا، عده‌ای از صحابه، به این اجتهاد رسیدند که باید مجازات ۸۰ یا ۴۰ ضربه شلاق برای شراب‌نوشی مد نظر قرار داده شود.

در این‌جا باید به دو نکته اشاره کرد. یکی این‌که خلاف رویکرد ساده‌لوحانه‌ای که در باب شریعت اسلام و تطبیق آن وجود دارد، شریعت اسلام در بسا موارد حاصل اجتهادهای بشری و استنباط‌های ظنی و مبانی آن، قابل نقد و بازنگری است. اگر شخصی از راه برسد و این اجتهادها و مبانی را تخطئه کند یا شایسته روزگار ما نداند، کار غلطی را مرتکب نشده است، بلکه چه بسا عملی ستودنی انجام داده است. مساله قابل یادآوری دیگر این است که وقتی می‌بینیم صحابه رسول خدا نظر به تغییر اوضاع زمانه، برای نوشیدن شراب، عقوبت تعریف‌شده دنیوی تعیین می‌کنند، به این دریافت می‌رسیم که آن‌ها این را به نیکویی می‌دانسته‌اند که «احکام جزایی اسلام» بر طبق دگرگونی اوضاع و احوال،

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

دگرگونی می‌پذیرد و نباید آن را مجموعه‌ای از فرامین و قوانین ثابت قلمداد کرد که به کار همه زمانه‌ها می‌خورد.

نگاه تاریخی به سیر تحول اسلام، بصیرت‌افزا و رهگشا است و اگر شخصی با حوصله و شکیبایی این سیر تحول را دنبال کند، به نکات نغز و بکری می‌رسد. اشکال کار آنانی که اسلام را مجموعه‌ای از متون ثابت و فرامین انعطاف‌ناپذیر می‌دانند، این است که از تاریخ پرفرازونشیب اندیشه اسلامی بی‌خبرند. برای درک نقاط ضعف و قوت اندیشه اسلامی، آگاهی از تاریخ شکل‌گیری این اندیشه، مخصوصاً در قرن‌های اولیه اسلام، از اوجب واجبات است. طالبان و گروه‌های رادیکال دیگر، بی‌سوادتر و بی‌معرفت‌تر از آنند که به این دقایق توجه کنند.

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ